



سیده اشرفی گروه رسانه

از خنجردن کاراکتر ماهی سریال «رخیل» که ویلچرش یک میل ساده قاجاری بود، تا معکم ایستادن دختر گیلانی، حاصل ایستادگی و غصه‌هایی است که شخصیت غزاله اکرمی در قامت بازیگر اصلی سوجان را به پختگی امروز کشانده است. غصه‌هایی که گاهی او را در میان گفت‌وگو به صبر وادار می‌کند تا بغض پس گلویش از تحمل برخی ناملایمات را با جرعه‌ای آب، پایین دهد. هرچند که صحبت‌کردن از این کاراکتر بدون اشاره به مادرخوا با بازی درخشان حدیث نیکرو، بی‌انصافی است. مادر و دختری حوا و سوجان در دل تاریخ که شاید کمتر از جزئیات فرهنگی و اجتماعی آن برای مخاطب امروز صحبت شده، تنها با یک همراهی دو طرفه از سوی این دو بازیگر ممکن می‌شد که حالا روی عمل به خود گرفته و در قاب شبکه یک نقش بسته است. حدیث نیکرو در نقش مادرخوا و غزاله اکرمی در نقش سوجان، در یک نشست مادر و دختری در تحریریه روزنامه جام جم نشستند تا از جزئیات تلاش چند ساله برای خلق دو کاراکتر اصلی این مجموعه و وقفه‌های پیاپی و ناخواسته آن بگویند. نیکرو اصالتا اهل لاهیجان است و در این گفت‌وگو از تعامل با عوامل برای طبیعی‌شدن لهجه و برخی دیگر از جزئیات می‌گوید. اکرمی هم که به پشتوانه تلاش و ایستادگی برای خلق کاراکتر سوجان توانسته در نظر مخاطبان محبوب شود، از برخی چالش‌های کار می‌گوید که برای خلق این کاراکتر پشت سر گذاشته است.

❏ یکی از مهم‌ترین نکاتی که در کلیدواژه‌های مرتبط با سوجان تکرار می‌شود، شباهت‌های آن با سریال «پس از باران» است که بسیار برای مخاطبان خاطره‌ساز بوده. آیا شما این سریال را دیده بودید و اساساً چقدر شباهت میان این دو اثر تلویزیونی وجود دارد؟

غزاله اکرمی: بازیگر نقش سوجان؛ من پس از باران را اصلاً ندیدم. در واقع جزو آثاری بود که در زمان قرارداد برای سوجان، گفته شد که آن را ببینم اما احساس کردم تماشاى آن می‌تواند تأثیر ناخودآگاهی روی بازی من بگذارد. به‌خصوص این‌که برخی می‌گفتند شباهت‌هایی به خانم‌کوچک سریال دارم. به همین خاطر نمی‌خواستم به‌گونه‌ای باشد که مخاطب احساس کند تقلیدی از یک بازی صورت گرفته است. برای همین سریال را ندیدم اما یک خطی قصه پس از باران را خواندم و متوجه شدم هیچ ربطی به قصه سوجان ندارد. حتی در سوجان، به آن شکل خان و خان‌محوری وجود ندارد.

**حدیث نیکرو:** بازیگر نقش مادرخوا؛ پس از باران را کامل دیده‌ام و در آن زمان بچه مدرسه‌ای بودم. کاملاً سریال را در خاطر دارم و به نظرم قصه سوجان هیچ شباهتی به پس از باران ندارد. شاید تنها شباهت آن، بافت گیلان باشد که به‌طور کلی تغییر نمی‌کند و ممکن است برای مخاطب تازه باشد. شاید از این منظر، بافت خانه و لباس‌ها باعث شده که برای مخاطب آشنا باشد.

❏ **قصه‌که کاملاً متفاوت است اما شباهتی که شاید برخی احساس کنند، احتمالاً به دلیل آشنایی‌داری مخاطب است که آن را با سریال‌هایی مثل پس از باران مقایسه کرده یا به آن ارجاع می‌دهند.**

**نیکرو:** ممکن است همین‌طور باشد. چون به نظرم چهره غزاله اصلاً شبیه به خانم مرجان محتشم و نقش خانم‌کوچک نیست. احتمالاً به‌دلیل لهجه و لباس بوده. حتی به نظرم لهجه در سوجان بسیار ملایم‌تر است.

اکرمی: جالب اینجاست که برخی بازیگران حتی لهجه

نداشتند. من مطلبی در یک سایت دیدم که نوشته بودند

من به خانم‌کوچک شباهت دارم و جالب این‌که برخی

مخاطبان نوشته بودند: این شباهتی به خانم‌کوچک

ندارد، چون چهره‌اش را کوبیده و از نو ساخته! (می‌خندد)

❏ **نکته مهم در مورد سریال سوجان، تنیده شدن آن با**

**نمایش فرهنگ بومی منطقه است. در یک سکانس ساده**

**که مربوط به نوروز بود، آداب و رسوم به شکل ساده نمایش**

**داده شد. خانم نیکرو شما خودتان اهل آن منطقه**

**هستید. چقدر این فرهنگ و آداب هنوز در آن منطقه به**

**چشم می‌خورد؟**

**نیکرو:** در گفت‌وگویی به این موضوع که یکی از نقاط قوت

کار پرداختن به فرهنگ بومی منطقه بوده، اشاره کرده بودم. من

بچه لاهیجان هستم. این جاش خوانی و نوروزخوانی و بقیه

را در کودکی‌ام داشتم. وقتی به روستای مادر بزرگ و پدر بزرگ

می‌رفتم، این رسوم وجود داشت. این‌که دسته جمعی به

دیدوبازدید عید برونند و خیلی رسم‌های این چنینی را داشتیم.

الان به نظرم سریال سوجان توانسته به‌درستی به این آیین

و فرهنگ اشاره کند و به همین خاطر، مردم آن منطقه با این

سریال ارتباط برقرار کرده‌اند. خیلی این مسأله حساس است.

الان دریافت‌های خوبی از مردم گیلان داشتم که سریال را دوست

داشتند و معتقد که بخشی از آن به دلیل اشاره به فرهنگ مردم

در کنار روایت قصه اصلی است. مثلاً رسم پرتاب‌کردن نارنج شبیه

همین پرتاب دسته‌گل است که در فرهنگ این روزها می‌شنویم.

این رسوم را داشته‌ایم که در فرهنگ جدید غریبه است.

❏ **حتی در سکانس نوروز، تعجب کردم چرا آقای نعیمی بیرون**

**مانده و وارد خانه نمی‌شود. بعد متوجه شدم در آن زمان رسم**

**بوده است.**

**نیکرو:** اتفاق زمانی که بچه بودم، شکایتی که همیشه از مادرم



❏ مجید آزاد/ جام جم

توفضای کافی می‌دهد و دست

را باز می‌گذارد. درواقع به حرفت

گوش می‌دهد. مثلاً من یکی از افرادی بودم

که روی لهجه مدام تأکید می‌کردم که گاهی به غزاله هم

می‌گفتم ما مثل مادر و دختر هستیم و به او می‌گفتم که کجا

لهجه‌اش درنیامده و همراهش بودم.

**خانم اکرمی، برای شما این فرهنگ چطور بود؟ به‌هرحال نسل**

**جدید هستید و شاید هیچ‌کدام را ندیده باشید....**

**اکرمی:** بله، هیچ اطلاعاتی درباره این آداب و رسوم نداشتم. در

فیلم‌نامه خواندم و بعد درباره آن تحقیق کردم. به نظرم این آداب

و رسوم و نمایش آن در قاب تلویزیون، باعث زندگی‌بخشیدن به

کار می‌شود. برای من به‌عنوان نسل جدید، کاملاً یک چیز تازه و

آموخته بود. یعنی اصلاً نمی‌دانستم در ۵۰ سال قبل مراسم نوروز

به چه صورت بوده اما در این کار دیدم و برایم جافات.

❏ **البته کار تاریخی رحیل را هم بازی کردید و بیگانه با**

**تاریخ نیستید....**

**اکرمی:** بله، اما رحیل فضای متفاوتی داشت.

سوجان، یک روستای شمالی در دهه ۵۰ است که

برایم بسیار جذاب بود. به‌عنوان فردی که می‌خواهد

از بیرون به موضوع نگاه کند و همچنین به‌عنوان

بازیگری که می‌خواهد روایت را به‌وجود آورد، این

تجربه برایم تازه و جالب بود.

❏ **قدری به بحث مادر-دختری پی‌دازیم. این**

**صمیمیتی که الان میان شماست، قطعاً به پیشرفت**

**کار کمک کرده، اما باز هم کار جدی بوده و حتما**

**چالش داشتید. قدری از آن بگویید.**

**اکرمی:** رابطه ما واقعاً فقط در کار نبود. یکی از

مهم‌ترین دلایلی که باعث شد به هم نزدیک شویم

و کار واقعی از آب درآید، همین ارتباط‌مان بود. یعنی

این‌طور نبود که تنها در صحنه هم را ببینیم. خارج از کار هم

هرچه می‌شد با هم صحبت می‌کردیم. یعنی پیج‌های مادر-

دختری با هم داشتم. این به خود خانم نیکرو بازمی‌گردد که

مهربان و حرفه‌ای هستند و به من اجازه می‌دادند با هم راحت

باشم.

❏ **البته نسل جدید خیلی برایش ارزش نیست که ادب را حفظ**

**کند و من فکر می‌کنم شما این را دارید. یعنی یک مرامی باید داشته**

**باشی که با بزرگ‌تر از خودت، درست سر و کار داشته باشی و**

**بتوانی از آنها بیاموزی....**

**اکرمی:** یک‌بار خانم نیکرو گفت غذا درست می‌کنم، بعد از کار بیا

پیش من. درواقع ما یک رابطه این چنینی و صمیمی داشتم.

یعنی رابطه‌مان صرفاً به کار محدود نمی‌شد. خدا را شکر که اتفاق

خوبی افتاد و این ارتباط صمیمانه در اثر هم خودش را نشان داد.

**نیکرو:** روز اولی که وارد کار شدم و مشخص شد که قرار است من

غزاله نقش مادر و دختر را بازی کنیم، انرژی خوبی از او گرفتم.

ته چهره‌ای شبیه به هم داریم اما در کنارش، انرژی برخی افراد به

این صورت است که ناخودآگاه هم را جذب می‌کنند. البته اغلب

آنهايي که برای نقش اصلی انتخاب می‌شوند، تلاش می‌کنند

که دور از دیگر بازیگران یا در یک فاصله‌ای باشند. اما غزاله این

ویژگی را نداشت و خیلی همراه و همدل بود. یعنی از همان ابتدا

که مشخص شد قرار است نقش مادر و دختر را داشته باشیم،

استقبال کرد و خودم هم دوست دارم با پارتنر در کاری که انجام

می‌دهم این احساس نزدیکی شکل بگیرد. خدا را شکر از همان

روز اول یک رابطه دوستانه بین ما شکل‌گرفت که به کمک هم

بتوانیم نقش‌های مان را به بهترین نحو ایفا کنیم.

❏ **و این وقفه باعث شده بود که هم‌زمان سر پروژه باشید؟**

**اکرمی:** بله، من قرارداد سریال رحیل را زمانی بستم که سوجان

هفت‌ماه متوقف شده بود.

**نیکرو:** و طبیعی بود که به‌دلیل طولانی‌شدن کار، گاهی با هم

دچار چالش شویم، اما خدا را شکر حال خوبی با هم داشتم.

**اکرمی:** جدای از تعارف، واقعاً مثل یک مادر و دختر توانستیم با

هم ارتباط بگیریم. درست مثل مادر و دختر واقعی یک جاهایی

از هم ناراحت می‌شدیم. کم‌این‌که من با مادر خودم گاهی دچار

چالش می‌شوم؛ یعنی طبیعی بود.

**نیکرو:** در پروژه سوجان، بازیگران زیادی در سن غزاله حضور

داشتند و ممکن بود برخی رقابت‌ها برای دیده‌شدن شکل

بگیرد، اما خدا را شکر کار خوب درآمد. خود غزاله هم مدام تمرین

کرد؛ چون کاراکتر مهمی بود.

❏ **فقط به خانم اکرمی کمک می‌کردید یا برای همه یک شکل**

**بود؟**

**نیکرو:** نه، تفاوتی نداشت و خود آقای تبریزی هم از این مسأله

استقبال می‌کردند.

**خانم اکرمی، لهجه برای شما چالش نداشت؟**

**اکرمی:** خیلی چالش برانگیز بود؛ به‌خصوص ابتدای کار. یعنی

می‌گفتم مصنوعی می‌شود و اصلاً نباشد. در زمان پیش‌تولید،

دائم شبکه باران را نگاه می‌کردم و گوش می‌دادم تا به آن مسلط

شوم. می‌نوشتم و مدام تمرین می‌کردم. ابتدا قرار بود لهجه

خیلی غلیظ‌تر باشد. برای آقای تبریزی هم خیلی مهم بود و

تأکید می‌کردند که روی آن کار کنم. مدتی که گذشت، دیدیم

نمی‌شود و یک‌دست نیست. تصمیم بر این شد که همه یک‌دست

باشند و یک آوایی در صحبت‌ها باشد. من به‌خاطر تمرینی که

روی لهجه کرده بودم، تلفظ کلمات برایم آسان‌تر بود. لهجه برای

من چالش برانگیز بود، به‌ویژه این‌که کار پس از مدتی دوباره آغاز

شد. زیرا باید رکورد کار را حفظ می‌کردم تا مشکلی پیش نیاید.

**نیکرو:** غزاله خیلی بهتر از بچه‌های شمال که در این سریال

حضور داشتند، این لهجه را نشان داد. بچه‌های شمال گاهی

خیلی غلوآمیز بازی می‌کنند. اتفاقاً چند وقت پیش یکی از من

پرسید که غزاله بچه کدام بخش شمال است؟ گفتم اصلاً برای

این خطه نیست. یعنی این قدر قابل‌باور بوده.

**اکرمی:** این را هم بگویم که بازی همراه با لهجه، این چالش را

دارد که باید حواست به‌صورت هم‌زمان به بازیگری و لهجه باشد.

به‌خصوص که به مرور چالش‌های قصه بیشتر می‌شود.

❏ **این البته به هوش غزاله اکرمی مرتبط است چون با این کار، به**

**خودش کمک می‌کند....**

**نیکرو:** همین‌طور است.

❏ **برخی نقدها درباره سوجان صورت گرفته بود که می‌گفتند**

**سوجان قرار بود روایتگر تحولات آن دوران باشد اما چیزی از آن**

**زمان ندیده‌ایم....**

**نیکرو:** قبول ندارم چون از جایی، قصه، مرتبط به سوجان و

تحولات شخصیتی اوست. اصلاً قرار نبود روایتگر تحولات تاریخی

باشد.

**اکرمی:** بله تحولات فردی او تا نشان داده شود یک دختر چطور

می‌تواند قوی باشد.

❏ **یعنی ممکن است برای فصل‌های بعد سراغش بروند؟**

**نیکرو:** نویسنده حدود ۳۰۰ قسمت نوشته که ۶۰ قسمت آن

را آقای تبریزی کارگردانی کرده است. هنوز مشخص نیست

فصل‌های بعد چه باشد.

❏ **قدری به سابقه کاری هر دو برگردیم. خانم اکرمی شما چالش**

**بازی نقش ماهی در سریال رحیل را داشتید که قطعاً پر چالش**

# خرده فرهنگ‌ها به روایت سوجان

دو بازیگر سریال این شب‌های شبکه یک، از جزئیات و چالش‌های نقش‌های‌شان گفتند

## مکت

## لذت اکتشاف علمی با «بین و بدون»

ناصر عالمی، تهیه‌کننده برنامه بین و بدون درخصوص ساخت این برنامه گفت: دلیل اصلی شکل‌گرفتن این برنامه به دوران کودکی خود برمی‌گردد. من از کودکی ذهن پرشگری داشتم و همیشه پر از سؤال و

عاشق موضوعات مستند و دانستنی بودم. با خود گفتم بچه‌ها حق دارند مسائل و

موضوعات جذاب دور و برشان را ببینند و بدانند. وی ادامه داد: در این برنامه سعی

کردیم موضوعات مربوط به کودکان را بسط و گسترش دهیم تا از اطلاعاتی که در

مدرسه یا خانواده به آنان می‌دهند، فراتر باشد. در این برنامه، نهایت تلاش‌مان

را کرده‌ایم تا نشان دهیم ریشه همه چیز در ذات و خلقت خداوند است و بین

همه اجسام و اشیا و خداوند ارتباط وجود دارد. بچه‌ها دوست دارند از اتفاقات

و موضوعات اطراف‌شان آگاه شوند؛ بنابراین، شکل و ساختار برنامه را به‌سمتی

بردیم تا بتوانیم پاسخگوی ذهن پرشگزر آنان باشیم؛ یعنی هر موضوع، اتفاق و هر

جسم و شیئی در اطراف بچه‌ها را طوری به آنان بشناسانیم که قانع شوند.



## دریچه

## «پریزاد» وتولد یک زندگی

فصل جدید «پریزاد» قرار است از سوم دی از شبکه تهران پخش شود. این برنامه درباره خانواده‌هایی است که در گذشته تمایلی به تولد فرزندشان نداشتند و روزهای دوشنبه و چهارشنبه ساعت

۲۲:۳۰ از شبکه تهران پخش می‌شود. رضا محمدنیا، کارگردان برنامه پریزاد

با حضور در استودیو شبکه خبر در بخشی از سخنان‌ش درباره تفاوت این

فصل با دو فصل قبلی گفت: در دو فصل اول سراغ خانواده‌هایی رفتیم که

بنابه هر دلیلی، نمی‌توانستند فرزنددار شوند و مسائل سلامت پزشکی

یا دلایل خانوادگی مطرح بود. در این فصل سراغ خانواده‌هایی رفتیم که

نمی‌خواستند فرزند داشته باشند، به سبقت عمدی چنین فکر می‌کردند و

یک سری اتفاقاتی در زندگی‌شان افتاد که از این تصمیم منصرف شدند.

الان آن فرزند به دنیا آمده، خانواده دو نفره؛ سه نفره شده، خانواده سه نفره؛

چهار نفره شده و حالا تفاوت و مزه زندگی را برای‌مان تعریف می‌کنند؛ این‌که

الان راضی هستند که آن فرزند کنارشان است.



## نوای ضرب مرشدان زورخانه‌ای در رادیو

برنامه «ورزشکار شو» در رادیو ورزش هر روز ساعت ۵:۴۵ با اجرای مرشد‌خوانان، لحظاتی شاداب و پرنرژی را برای دوستداران ورزش به ارمغان می‌آورد.

این برنامه به‌عنوان یک آغازگر روز جدید، با نوای

دلنشین و روح‌نواز مرشدان زورخانه‌ای، فضای

شادابی را برای شنوندگان خود فراهم می‌کند و آنها را

به تجربه‌ای متفاوت از صبح‌های خود دعوت می‌کند.

ورزشکار شو، نه تنها به ارائه موسیقی و آوازهای سنتی

می‌پردازد بلکه با هدف

ترویج و حفظ سنت‌های

امیل ورزش ایران، به معرفی

تاریخچه و فرهنگ ورزش‌های

ایرانی نیز توجه دارد.

